

**Research Article**

**A Comparative Study of Trickery, Examples and Ways to Deal with it in Imamiya Jurisprudence and Iranian and French Law**

Babak Mohammadi Ghahfarokhi<sup>1</sup>

Davoud Nasiran<sup>2</sup>

Masud Shirani<sup>3</sup>

Received: 27/07/2022

Accepted: 12/08/2022

**Abstract**

A trick in jurisprudence means to achieve the desired religious legal and legitimate goal; whether the way to reach it is halal or the said way is religiously illegitimate. In the term of Iranian law, it means the ability to use the silence or summary of the law in order to acquire rights for the unjust in ways that are against the nature of the law, and in the term of French law, it means a shrewd act in which, by using the hidden defects of the law, a person seeks to perform a seemingly legal act. These different definitions have caused differences in examples of trickery and of course the solutions to deal with it. The present study is carried out through a descriptive-analytical method and tries to answer questions such as "What

- 
1. PhD student, Department of Law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Isfahan. Babak.mohammadigh.55@gmail.com.
  2. Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch; Isfahan (corresponding author). DawoodNassiran@yahoo.com.
  3. Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch; Isfahan. Dr.shirani2019@gmail.com.

---

\* Mohammadi Ghahfarokhi, B., Nasiran, D., & Shirani, M. (1401 AP). A comparative study of trickery, examples and ways to deal with it in Imamiya jurisprudence and Iranian and French law. *Biannual Journal of Jurisprudential Principles of Islamic Law*, 15 (30), pp. 152-188.

Doi: 10.30495/jijl.2022.68738.1562.

---

is the trick, examples and solutions to deal with it in Imamiya jurisprudence, Iranian and French law?" Examples of trickery in Imamiya jurisprudence are divided into three categories: Examples of real positive and legitimate tricks; examples of real negative and reprehensible tricks; Examples of formal tricks. Examples of tricks in Iranian and French laws can be divided into two parts: examples of tricks that violate formal laws and examples of tricks that violate substantive laws. In Imamiya jurisprudence, there is no countermeasure for permissible tricks, but two solutions are proposed for haram (forbidden) tricks including the moral solution that means piety and the jurisprudential solution which means ruling on being haram (forbidden). The solutions to deal with trickery in Iranian law are the theory of motive or direction; the theory of good faith; the theory of preventing the abuse of the right; the theory of public order; the principle of compliance of the contract with the intention; the base of the arms; the principle of Sad Zaraye (avoiding doing harms), the principle of "Yu'amil al-Mukalaf bi Naqiz Maqsoudah". Regarding the solutions to deal with trickery in French law, it is possible to refer to the strategies including implementing the laws of the European Union, establishing various institutions to fight trickery and fraud, identifying points covered by the law by digital technologies, determining case and subject laws, determining the punishment in the criminal laws.

### Keywords

Trickery, examples of trickery, ways to deal with trickery, Imamiya jurisprudence, Iranian law, French law.

### مقاله پژوهشی

## بررسی تطبیقی حیلہ، مصادیق و راهکارهای مقابله با آن در فقه امامیه و حقوق ایران و فرانسه

بابک محمدی قهفرخی<sup>۱</sup>      داود نصیران<sup>۲</sup>      مسعود شیرانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

### چکیده

حیلہ در فقه یعنی رسیدن به مطلوب شرعی و هدف مشروع؛ چه این که راه رسیدن به آن، امری حلال باشد یا راه مذکور، خود غیر مشروع باشد و در اصطلاح حقوق ایران به معنای استعداد استفاده از سکوت یا اجمال قانون به منظور اکتساب حق برای غیرمحق از راه‌هایی که مخالف با ماهیت قانون است و در اصطلاح حقوق فرانسه، به معنای عملی زیرکانه که با استفاده از عیوب مخفی و پنهانی قانون، فرد به دنبال انجام عملی به ظاهر قانونی است. این تعاریف مختلف، سبب تفاوت در مصادیق حیلہ و بالطبع آن راهکارهای مقابله با آن شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته و درصدد پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل «حیلہ، مصادیق و راهکارهای مقابله با آن در فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه چیست؟» است.

مصادیق حیلہ در فقه امامیه به سه دسته تقسیم می‌شوند: مصادیق حیلہ واقعی مثبت و مشروع؛ مصادیق حیلہ

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد؛ اصفهان.

Babak.mohammadigh.55@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد؛ اصفهان (نویسنده مسئول).

DawoodNassiran@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد؛ اصفهان.

Dr.shirani2019@gmail.com

\* محمدی قهفرخی، بابک؛ نصیران، داود و شیرانی، مسعود. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی حیلہ، مصادیق و راهکارهای مقابله با آن در فقه امامیه و حقوق ایران و فرانسه. فصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۳۰).

Doi: 10.30495/jjil.2022.68738.1562

صص ۱۵۲-۱۸۸.

واقعی منفی و مذموم؛ مصادیق حیلۀ صوری. مصادیق حیلۀ در حقوق ایران و فرانسه را می‌توان به دو بخش مصادیق حیلۀ ناقض قوانین شکلی و مصادیق حیلۀ ناقض قوانین ماهوی تقسیم کرد. در فقه امامیه برای حیلۀ‌های مباح راهکار مقابله وجود ندارد، اما برای حیلۀ‌های حرام دو راهکار پیشنهاد شده است؛ راهکار اخلاقی، یعنی تقوا و راهکار فقهی، یعنی حکم به حرمت. راهکارهای مقابله با حیلۀ در حقوق ایران عبارت‌اند از: نظریه انگیزه یا جهت؛ نظریه حسن نیت؛ نظریه منع سوءاستفاده از حق؛ نظریه نظم عمومی؛ قاعده تبعیت عقد از قصد؛ قاعده سد ذرایع؛ قاعده «یعامل المکلف بنقیض مقصوده» و در مورد راهکارهای مقابله با حیلۀ در حقوق فرانسه می‌توان به اجرای قوانین اتحادیه اروپا؛ ایجاد نهادهای مختلفی برای مبارزه با حیلۀ و تقلب؛ شناسایی نقاط پوشیده از چشم قانون توسط فناوری‌های دیجیتال؛ تعیین قوانین موردی و موضوعی؛ تعیین مجازات در قوانین کیفری اشاره کرد.

## کلیدواژه‌ها

حیلۀ، مصادیق حیلۀ، راه‌های مقابله با حیلۀ، فقه امامیه، حقوق ایران، حقوق فرانسه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

امروزه با پیشرفت جوامع و صنعتی شدن آنها و میل به ثروت‌اندوزی انسان‌ها و تعارض حقوق متصوره، باعث شده افراد برای حل مسائل خود دادخواهی و تظلم‌خواهی به محاکم قضایی بپردازند. البته بر اساس اصول بنیادین قانون اساسی کشورها، طرح دعاوی مختلف در مراجع قضایی با استناد به اصل آزادی اشخاص در دادخواهی و تظلم‌خواهی صورت می‌پذیرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و چهارم به این موضوع اشاره شده که دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. اصل ۶۶ قانون اساسی فرانسه نیز به این اصل اشاره نموده است. این حق دادخواهی و تظلم‌خواهی ممکن است در حین تشکیل دعوی یا ضمن بررسی دعوی در طول مراحل دادرسی یا اینکه تا پایان اجرای حکم از سوی هریک از طرفین دعوی با به کار بردن حيله<sup>۱</sup> و نیرنگ مورد سوءاستفاده<sup>۲</sup> قرار گیرد که ممکن است با افراط و تفریط در اعمال این حق موجبات تضییع حقوق یکی از اصحاب دعوی را در پی داشته باشد. از طرفی، وجود اصول مهمی همچون اصل تناسب<sup>۳</sup> در دادرسی مدنی باعث شده که جانب تعادل و انصاف<sup>۴</sup> در جریان دادرسی مراعات گردد تا طرفین دعوی در یک دادرسی عادلانه بتوانند احقاق حق کنند، اما با نادیده گرفتن این اصول و توسل به حيله و تقلب ممکن است یکی از اصحاب دعوی از آن سوءاستفاده نماید. این سوءاستفاده از حق ممکن است هم در حقوق ماهوی و هم در حقوق شکلی نمود پیدا کند.

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته و درصدد پاسخگویی به پرسش‌هایی از قبیل «حيله و مصادیق آن در فقه امامیه چیست؟»؛ «حيله و مصادیق آن در حقوق ایران چیست؟»؛ «حيله و مصادیق آن در حقوق فرانسه چیست؟»؛ «راهکارهای مقابله با حيله در فقه امامیه و حقوق ایران و فرانسه چه می‌تواند، باشد؟» است. در مورد

1. Trick.
2. Abuse of rights.
3. The principle of proportionality.
4. Equity.

پیشینه پژوهش باید گفت پژوهشی که بتواند این موضوع را به صورت تطبیقی در فقه امامیه و حقوق ایران و فرانسه بررسی کند، کار نشده است، اما کتب و مقالاتی در زمینه آیین دادرسی مدنی ایران کار شده که می توان به موارد ذیل و وجه افتراقشان با پژوهش حاضر اشاره داشت:

الف - کتاب **حیله در دادرسی مدنی** نوشته دکتر حسین دهقانی. در این کتاب نویسنده محترم که خود از قضات دادگستری است، این کتاب را به سه فصل تقسیم نموده و در فصل اول آن را به دو مبحث تقسیم کرده است؛ مبحث اول به بررسی تعریف حیله و اقسام آن در دادرسی مدنی ایران می پردازد. در مبحث دوم از فصل اول به سابقه تاریخی حیله در حقوق رم و حقوق اسلام و نظام دادرسی ایران می پردازد و در فصل دوم به بررسی رفتار محیلانه در دادرسی مدنی پرداخته و این فصل را به دو مبحث مصادیق حیله ایجابی در دادرسی مدنی و مصادیق حیله سلبی در دادرسی مدنی می پردازد و در فصل سوم به رویه قضایی و حیله در دادرسی مدنی می پردازد. وجه افتراق این پژوهش با پژوهش حاضر مشخص است و آن بررسی تطبیقی با آیین دادرسی مدنی فرانسه است.

ب - کتاب **حیله و تقلب نسبت به قانون در حقوق ایران و فقه** از رسول قاسمی، در این کتاب نویسنده محترم که خود از قضات دادگستری است، این کتاب را به پنج فصل تقسیم بندی نموده است؛ فصل اول، طرح تحقیق و فصل دوم کلیات و مفاهیم و پیشینه است که به بررسی مختصر حیله و تقلب و تدلیس پرداخته و در قسمت پیشینه اشاره ای کوتاه و مختصر در حد یک تا دو صفحه به پیشینه حیله در حقوق ایران، حقوق رم و فقه عامه و امامیه داشته است. فصل سوم را به بررسی ادله موافقان و مخالفان حیله شرعی در فقه اختصاص داده است. وی فصل چهارم را به مبانی حقوقی قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون اختصاص داده در این فصل به بررسی چهار نظریه حسن نیت، نظریه جهت، نظریه منع سوءاستفاده از حق و نظریه نظم عمومی پرداخته است.

نویسنده در فصل پنجم به بررسی ضمانت اجرای قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون و حیلله های شرعی پرداخته و بیشتر مباحث این فصل بازگشت به منابع فقهی است.

وجه افتراق این پژوهش با پژوهش حاضر مشخص است و آن بررسی تطبیقی با آیین دادرسی مدنی فرانسه است.

ج - مقاله حيله و تقلب نسبت به قانون از طريق عقد صلح؛ این مقاله نوشته سیدمهدی دادمرزی و محمد بافهم چاپ شده در فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، شماره ۳، سال ۱۳۹۸ است. نگارندگان در این پژوهش به بررسی حيله از طريق صلح پرداخته و این مسئله را از نظر حقوقی و فقهی مورد بررسی قرار می دهند که هدف پژوهش حاضر و محتوای آن بسیار با این مقاله متفاوت است.

### ۱. مفاهیم

در این قسمت به بررسی مفهوم حيله در لغت و در اصطلاح حقوق ایران و فرانسه و مفاهیم مشابه همچون تقلب و خدعه پرداخته می شود.

#### ۱-۱. مفهوم حيله<sup>۱</sup> در لغت

حيله کلمه‌ای است با ریشه عربی از ماده حَوَلَ که در معنای لغوی عبارت است از چاره‌جویی، قدرت و مهارت در فریب، خدعه، نیرنگ، خُبث، غِش، مکر، کید و محل است (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰؛ مهنا، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۴۰؛ ابوجیب، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۸۸). برخی آن را به معنای چاره‌ای که شخص در تدبیر کارش به آن منتقل می شود و آن یک نوع تغییر و انفصال از حال اولی است، معنا کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۶۱). برخی آن را به معنای مهارت و نیک‌اندیشی و قدرت تصرف در کارها دانسته‌اند (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۹۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۸۵). برخی حيله را به معنای مهارت در تدبیر امور و انجام کارها با لطافت و دقت نظر دانسته‌اند (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۷؛ موسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۴۱). به نظر می‌رسد حيله در لغت به معنای مهارت استفاده از نکات و نقاط مبهم موضوعی که از دیدگان مخفی مانده، برای فریب دیگران باشد.

1. Trickery.

## ۲-۱. مفهوم حيله در فقه اماميه

حيله در اصطلاح فقهی یعنی رسیدن به یک مطلوب شرعی و هدف مشروع؛ چه این که راه رسیدن به آن، امر حلالی باشد یا راه مذکور خود غیر مشروع باشد. چنین چیزی حيله است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۷).

- حيله به معنای راهکار مخالفت با قوانین الزامی شرع به گونه‌ای که شرعی است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۹۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۰-۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۰۳-۲۰۴).

## ۳-۱. حيله در اصطلاح حقوق ايران

حقوق ایران ارتباط بسیار تنگاتنگی با فقه امامیه دارد؛ لذا برای بررسی مفهوم حيله می‌توان مفهوم آن را در فقه امامیه نیز بررسی نمود تا موضوع روشن گردد. در معنای اصطلاحی حيله تعارف مختلفی به خود دیده است. از مهم‌ترین این تعاریف می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. حيله عبارت است از توسل به اسباب دارای آثار شرعی برای اسقاط چیزی (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۰۳).

۲. حيله به کار بستن راه‌هایی است که گرچه ظواهر قانون در آن رعایت شده، ولی چه بسا با روح قانون مخالف است (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۴۷، ص ۱۵۲).

۳. حيله عبارت است از حفظ ظاهر قوانین شرع، اگرچه روح قانون موجود نباشد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۱۴).

۴. حيله یعنی به کار بردن روش‌های پنهانی برای رسیدن به هدفی معین به صورتی که انجام دادن آن بر اساس هوش و ذکاوت شخص انجام پذیرد و من غیر حق به آن رسیدن است (بحیری، ۱۳۷۶، ص ۲۲).

۵. حيله به معنای توسل به راه‌های مباح برای انجام فعل حرام یا اسقاط واجب یا ابطال حق یا اثبات باطل است (بهوتی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۷۳).

۶. در حقوق، حيله و تقلب روش‌های پنهانی برای رسیدن به هدف معین هستند به طوری که انجام دادن آن روش‌ها به نوعی زیرکی و ذکاوت فرد را برساند و غالباً منصرف بر



روش‌هایی است که شخص را موفق به انجام دادن امری می‌نماید که در نظر مقنن یا عقل و عرف ممنوع است و در حقیقت به وسیله حيله مرتکب چیزی می‌شوند که در نظر قانون‌گذار یا عرف یا عادت و عقل ممنوع است؛ زیرا بی‌تردید می‌توان گفت به کار بردن حيله و نیرنگ، برای بی‌اثر کردن آثار محدودیت‌های ناشی از قوانین و نظامات اجتماعی است و با انجام آن از یک طرف باعث حفظ ظاهر قانون شده و از طرف دیگر به هدف غایی خود خواهند رسید.

۷. در حقوق ماهوی برای تعریف حيله می‌توان به ماده ۴۳۸ قانون مدنی در تعریف تدلیس اشاره نمود که بیان داشته تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. از مفهوم این ماده می‌توان چنین استنباط نمود که برای شکل‌گیری تقلب و حيله قصد لازم است؛ یعنی اراده فرد این است که از یک الزام قانونی فرار نموده و آن را به سمت نتیجه دلخواه غیرقانونی سوق دهد تا قصد تقلب در آن وجود داشته باشد و همچنین در بعضی از قوانین منع به کارگیری تقلب و حيله اشاره شده است؛ به عنوان مثال در بند ۲ ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان را مکلف نموده که نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد و همچنین بر اساس ماده ۷ قانون مارالذکر «تبلیغات خلاف واقع و ارائه نادرست و ارائه اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده من جمله از طریق وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی و برگه‌های تبلیغاتی شود، ممنوع است» و همچنین در ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ مقرر داشته: هرگاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذب بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذب طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه بکاهد، عقد بیمه باطل خواهد بود؛ هرچند اگر مراتب مذکور تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد» و در ماده ۱۳ همان قانون نیز متذکر شده اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع بیمه‌گذار با سوءنیت نباشد، عقد باطل نمی‌شود، بلکه در این صورت بیمه‌گر حق دارد بیمه را فسخ نماید؛ بنابراین، آشکار است که در اینجا حيله و خدعه را هم طراز با سوءنیت آورده است.

در تعریف اصطلاحی حيله، می‌توان از مجموع تعاریف فوق چنین استنباط نمود که حيله در شرع عبارت است از ذکاوت استفاده از زوایای پنهان موجود در احکام و شرعیات، به‌منظور رسیدن به مقصود شرعی و غیرشرعی؛ همچون فرار از عمل به حرام، اسقاط واجب، عمل به واجب، اثبات یا ابطال حق است، اما در اصطلاح حقوق ایران به معنای استعداد استفاده از سکوت یا اجمال قانون به‌منظور اکتساب حق برای غیرمحق از راه‌هایی که مخالف با ماهیت قانون است، اطاله دادرسی و ایجاد مانع برای به دست آوردن حق به‌وسیله‌ی راه‌هایی که در نظر قانون‌گذار یا ضابط قضایی یا قضات ممنوعیت قانونی ندارد.

#### ۱-۴. مفهوم حيله در اصطلاح حقوق فرانسه

در قانون فرانسه حيله به‌دقت تعریف نشده است، اما از مواد قانونی مختلفی می‌توان به مفهوم حيله پی برد. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۹۸ به‌صراحت به حسن نیت و صداقت که همان عدم به کار بردن حيله است، تصریح نموده که «طرفین دعوی تحت هر شرایطی ملزم به حفظ حرمت شایسته دادگاه هستند. دادرسی می‌تواند برحسب شدت بی‌احترامی حتی رأساً رأی یا دستور صریح صادر کند نوشته‌ها(اسناد) را حذف کند یا آنها را افترا (توهین‌آمیز) اعلام کند و دستور تحریر و اعلان آرای خود را صادر کند». این‌طور استنباط می‌شود که قلمرو این ماده قانونی هم برای اصحاب دعوی و هم برای قاضی دادگاه است یا اینکه در بند اول ماده ۵۹۵ قانون آیین دادرسی فرانسه همانند بند ۵ ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی کشور ما یکی از جهات اعاده دادرسی را به کار بردن حيله و تقلب دانسته و اشعار داشته: اگر بعد از رأی معلوم شود که تصمیم متخذه متأثر از حيله و تقلب طرف دعوی که رأی به نفع او صادر شده بوده است. در اینجا نیز به‌صورت عام بیان شده است و همین‌طور در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه بدون آنکه به تعریف حسن نیت بپردازد، طرفین قرارداد را مکلف به اجرای حسن نیت در قرارداد می‌داند و این‌طور به نظر می‌رسد که همه قراردادهای انعقادی باید بر پایه حسن نیت انجام شود.

در حقوق فرانسه، عدم ارائه اطلاعات در دوره پیش قراردادی تحت عناوین مختلفی

چون اشتباه، تدلیس یا عیوب مخفی موضوع معامله را سبب خدشه بر قرارداد می‌داند؛ طوری که در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آن کشور بیان شده عدم اطلاع‌رسانی می‌تواند اشتباه طرف دیگر را در پی داشته و موجبات بطلان قرارداد را فراهم آورد و به‌صراحت در ماده ۱۱۱۶ همان قانون اشعار داشته تدلیس از اسباب بطلان قرارداد است.

به نظر می‌رسد در تعریف اصطلاحی حقوق فرانسه بتوان حيله را به معنای آن عمل زیرکانه که با استفاده از عیوب مخفی و پنهانی قانون، فرد به دنبال انجام عملی به‌ظاهر قانونی است که در برخی موارد قانون فرانسه آن موارد را پیش‌بینی کرده و از اسباب ابطال معامله یا قرارداد دانسته است.

#### ۱-۵. مفهوم خدعه<sup>۱</sup>

خدعه کلمه‌ای است با ریشه عربی که در لغت به معنای گول زدن و چشم‌پندی کردن، حيله زدن و فریب دادن است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۳۱؛ ابوجیب، ۱۴۰۸ق، ص ۱۱۳). برخی گفته‌اند خدعه هم به معنای گول زدن و هم به معنای فریب خوردن است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۸؛ ابن سیده، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۰). برخی گفته‌اند خدعه به معنای آن چیزی است که به‌وسیله آن دیگران را فریب می‌دهند (زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۷۲۹؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۱۱) اما در معنای اصطلاحی خدعه به معنای غرور و تدلیس است (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۵۷). می‌توان بیان داشت خدعه از مصادیق حيله است و رابطه عموم و خصوص من وجه بین مفهوم حيله و خدعه وجود دارد؛ لذا در بررسی آتی می‌توان هر آنچه مربوط به خدعه در قانون ایران و فرانسه است را ذیل عنوان حيله بررسی تطبیقی نمود.

#### ۱-۶. مفهوم تقلب<sup>۲</sup>

در لغت به معنای تغییر و تحول در کاری به سود خود و به زیان دیگری، تلاش و

1. Ruse.

2. Fraud.

تصرف در کارها با تغییر دادن آنها (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۴). برخی گفته‌اند تقلب یعنی تحول و تصرف در امور است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۴). برخی معتقدند تقلب یعنی از روی به پشت شدن یا از سوئی به سوی دیگر شد و تقلب در امور یعنی در کارها تصرف کردن و از کاری به کار دیگر پرداختن (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۹). گروهی بر این باورند که تقلب در امور به معنای تصرف در امور به گونه‌ای که به نفع خود باشد (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۳۹). عده‌ای گفته‌اند تقلب در کارها به معنای به کار بردن حيله در امور است (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱، ص ۵۷۱).

تقلب در اصطلاح عبارت است از انجام عملی به قصد فرار از انجام تکلیف که به آن رهایی، تخلص یا فرار از حرام می‌گویند (کاشانی، ۱۳۵۲، ص ۳۹). ارتباط بین مفهوم حيله و تقلب نیز همانند ارتباط بین حيله و خدعه است؛ یعنی ارتباط منطقی بین آن دو، عموم و خصوص من وجه است و می‌تواند مصادیق تقلب و موارد آن را در قوانین حقوقی ایران و فرانسه به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داد.

## ۲. مصادیق حيله

مصادیق حيله را باید در حقوق ایران و فرانسه مورد بررسی قرار داد.

### ۱-۲. مصادیق حيله در حقوق ایران

مصادیق حيله را می‌توان در دو بخش تقسیم کرد: مصادیق حيله ناقض قوانین شکلی و مصادیق حيله ناقض قوانین ماهوی. از مصادیق حيله ناقض قوانین شکلی (آیین دادرسی مدنی ایران) می‌توان به مصادیق حيله ایجابی در آیین دادرسی مدنی شامل موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ادعای واهی که خود شامل؛ دروغ‌گویی و بزرگ‌نمایی است؛ ۲. اطاله‌ی دادرسی؛
۳. سرقت و برداشت اطلاعات پرونده؛ ۴. تفکیک دعوا؛ ۵. استفاده از عنصر اغفال در دادرسی؛ ۶. استناد به ادله نامشروع؛ ۷. فرار مالیاتی؛ ۸. ضم ضمیمه اضافی در پرونده از جهات مختلف در مراحل دادرسی.

از مصادیق حیلۀ سلبی در دادرسی مدنی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. عدم تعیین دقیق خواسته؛ ۲. عدم مشارکت در دعوا؛ ۳. ادعای بیماری و جنون؛
۴. مخفی کردن ادله؛ ۵. عدم حضور یا سکوت در جلسه رسیدگی باهدف خاص؛ ۶. عدم پذیرش اوراق قضایی؛ ۷. اهمال در دادرسی؛ ۸. دست‌کاری در توصیف دعوا (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۰).

از مصادیق حیلۀ ناقض قوانین ماهوی به دلیل کثرت و ادغام مصادیق در موارد، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ماده ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی قدیم؛ ۲. ماده ۳ فصل اول قانون تعزیرات حکومتی؛ ۳. ماده ۵۵۲ قانون تجارت، بند الف و ب؛ ۴. ماده ۶ قانون جرائم رایانه‌ای؛ ۵. ماده ۴۱ قانون گذرنامه، قسمت واو؛ ۶. ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گرا در نظام اقتصادی کشور؛ ۶. ماده ۱۲۴۸ قانون مدنی، بند پنجم؛ ۷. ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک کشور؛ ۸. مواد ۱۰۸، ۱۱۲ و ۱۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و... که در آنجا از تقلب بحث کرده‌اند؛ ۹. ماده ۴۹۰ قانون تجارت؛ ۱۰. ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی؛ ۱۱. ماده ۴۲۶ و ۴۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛ ۱۲. ماده ۳۴ و ۳۸ قانون وکالت؛ ۱۳. ماده ۱۱۶۳ قانون مدنی؛ ۱۴. ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی و ...

با توجه به گستردگی قوانین ماهوی و شکلی در ایران، مصادیق گاهی با موارد قانونی ادغام شده که تنها با بررسی، تجزیه و تحلیل آن ماده قانونی می‌توان به زوایای مخفی مانده از نظر قانون پی برد و در آن صورت می‌توان مصادیق را روشن کرد.

## ۲-۲. مصادیق حیلۀ در حقوق فرانسه

مصادیق حیلۀ در حقوق فرانسه را می‌توان در دو بخش تقسیم کرد: اول. مصادیق حیلۀ ناقض قوانین شکلی که خود دودسته می‌شود: الف - مصادیق حیلۀ ایجابی و مصادیق حیلۀ سلبی.

ب - مصادیق حیلۀ ناقض قوانین ماهوی.

- از مصادیق حيله ايجابى مى توان به موارد ذيل اشاره نمود:
۱. ادعاى واهى كه خود شامل دروغ گويى و بزرگ نمايى است؛
  ۲. اطاله‌ى دادرسى؛
  ۳. سرقت و برداشت اطلاعات پرونده؛
  ۴. تفكيك دعوا؛
  ۵. استفاده از عنصر اغفال در دادرسى؛
  ۶. استناد به ادله نامشروع؛
  ۷. فرار مالياتى؛
  ۸. ضم ضميمه اضافى در پرونده از جهات مختلف در مراحل دادرسى (دهقانى

فيروزآبادى، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

از مصادیق حيله سلبى در دادرسى مدنى مى توان به موارد ذيل اشاره كرد:

۱. عدم تعيين دقيق خواسته؛
۲. عدم مشاركت در دعوا؛
۳. ادعاى بيمارى و جنون؛
۴. مخفى كردن ادله؛
۵. عدم حضور يا سكوت در جلسه رسيدگى باهدف خاص؛
۶. عدم پذيرش اوراق قضائى؛ نگاه علوم انسانى و مطالعات فرهنگى
۷. اهمال در دادرسى؛
۸. دست كارى در توصيف دعوا (دهقانى فيروزآبادى، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

در توضيح يك مصداق از موارد فوق، به دليل عدم ارتباط مستقيم به پژوهش حاضر و به منظور تقريب ذهن مخاطب مى توان به صورت ذيل مصداق عنصر اغفال در دادرسى را تبين نمود:

قانون آيين دادرسى مدنى فرانسه در بند ۳ ماده ۵۴ از بخش اول قيد نموده: دادخواست خواهان بايد به صورت واضح بيان شده باشد و موارد ذيل به صورت روشن در آن مشخص باشد. اين موارد شامل موضوع دادخواست، نام، حرفه، محل اقامت، مليت، تاريخ و محل

تولد هر یک از خواهان و برای اشخاص حقوقی، فرم ثبت آنها، نام و مشخصات آنها و مشخصات سازمانی که آنها به طور قانونی نماینده آن هستند، باید مشخص گردد. با توجه به موارد فوق و برداشت از مفهوم این قانون، باید گفت خواهان نباید از مواردی که سبب اغفال خواننده یا دادگاه می شود، استفاده کند.

از مصادیق حيله ناقض قوانين ماهوی می توان به مواد ذیل اشاره داشت:

۱. ماده ۱۹۹ حيله در ازدواج؛ ۲. ماده ۲۰۰ در مورد حيله عليه وراث؛ ۳. ماده ۲۷۱ در مورد حيله و نيرنگ به زنان که سبب تضییع حقوق ایشان می گردد؛ ۴. ماده ۳۱۶ در مورد ادعای زوج نسبت به فرزند اگر زوجه با حيله کودک را پنهان کند، زوج مجاز به ادعا در محاکم است؛ ۵. ماده ۵۶۴ حيله در جلب اموال ديگران؛ ۶. ماده ۸۵۴ در مورد حيله در وراثت؛ ۷. ماده ۸۶۵ ثقلب در مورد حقوق طلبکاران؛ ۸. ماده ۸۸۲ حيله در مورد طلب سهام داران مشترک؛ ۹. ماده ۸۸۹ ثقلب نسبت به وراثت مشترک؛ ۱۰. ماده ۱۱۶۷ ثقلب در اجاره؛ ۱۱. ماده ۱۳۵۰ در مورد حيله و ثقلب در اعلام مالکیت؛ ۱۲. ماده ۱۳۵۳ در مورد حيله در گواهی؛ ۱۳. ماده ۱۴۴۷ در مورد حيله در پرداخت بدهی؛ ۱۴. ماده ۱۴۶۴ در مورد حيله و ثقلب توسط ورثه، ۱۶۷۳؛ ۱۵. ماده ۱۸۵۶ در مورد عدم ثقلب و حيله در شراکت و ...

با توجه به پراکندگی قوانين ماهوی و شکلی فرانسه مصادیق به صورت مواد قانونی بروز یافته که تنها با بررسی، تجزیه و تحلیل آن مواد قانونی می توان به زوایای مخفی مانده از نظر قانون پی برد و در آن صورت می توان مصادیق را روشن کرد.

### ۲-۳. مصادیق حيله در فقه امامیه

مصادیق حيله در فقه امامیه را می توان در سه قسم تقسیم بندی نمود؛ ۱. مصادیق حيله واقعی مثبت و مشروع؛ ۲. مصادیق حيله واقعی منفی و مذموم؛ ۳. مصادیق حيله صوری. برای هر یک از سه قسم مذکور، مثال های فراوانی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود؛ برای قسم اول در قضاوت های حضرت علی علیه السلام نمونه هایی از حيله شرعی مثبت و واقعی دیده می شود که آن حضرت از راه مشروع به هدفی مشروع دست می یافت؛ مثلاً در

ماجرای دو زنی که بر سر یک نوزاد دعوا داشتند و هرکدام مدعی بود او مادر بچه است، حضرت از حیلۀ شرعی زیر استفاده کرد: از غلامش خواست از آن دو زن بدهد، تا بچه را به دو نیم تقسیم کند و هر نیمه را به یکی از آن دو زن بدهد! در اینجا مادر اصلی و واقعی اعلان کرد: «راضی به این کار نیستم و از حقّ خود گذشتم»، ولی مادر دروغین ساکت ماند و سخنی نگفت. حضرت فرمود: «آن که از حقّ خود گذشته، مادر حقیقی است» سپس بچه را به او تحویل داد (شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۸).

برای قسم دوّم، یعنی حیلۀ واقعی منفی که به وسیلۀ حرام به مطلوب حلالی می‌رسد، شخصی در وسعت وقت می‌تواند غسل واجب انجام دهد، ولی آن را ترک می‌نماید تا این که وقت تنگ شود، سپس در تنگی وقت تیمّم می‌کند و نماز می‌خواند. این حیلۀ شرعی نیز منفی و مذموم است؛ چون برای رسیدن به امر شرعی (تیمّم) از راه غیر مشروع (تأخیر غسل واجب تا ضیق وقت) استفاده کرده است.

قسم اوّل و دوّم حيله، هر دو واقعی و جدی بود، هر چند یکی مذموم بود و دیگری ممدوح، ولی قسم سوّم از حيله‌ها، غیرواقعی و صوری است و قصد جدی در آن وجود ندارد. همان گونه که قسمتی از حيله‌های ربا که مورد بحث قرار خواهد گرفت، داخل این قسم است؛ مثلاً «ضمّ ضمیمه» برای فرار از ربا، یک حيله صوری است؛ زیرا کسی که برای فرار از «ربای قرضی» صد میلیون ریال وجه نقد، به اضافه یک قوطی کبریت می‌دهد و پس از یک سال دویست میلیون ریال باز پس می‌گیرد و در واقع یک قوطی کبریت را به قیمت صد میلیون ریال می‌فروشد، قصد جدی ندارد. کدام آدم عاقلی یافت می‌شود که یک قوطی کبریت را به این قیمت سرسام‌آور غیر عقلایی بخرد؟! بنابراین، معامله مذکور جدی نیست و این حيله، نوعی فرار از ربا به شکل صوری و غیرواقعی است (شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۹).

### ۳. حکم حيله و راه‌های مقابله با آن در فقه امامیه

در مورد حکم حيله دو نظر وجود دارد: الف - برخی تمام حيله‌ها را جایز می‌دانند؛ ب - برخی همه‌ی حيله‌ها را جایز نمی‌دانند.



### ۱-۳. جواز

شیخ طوسی در باب الحیل کتاب **المبسوط** خود بیان می‌دارد: «الحیل جائزة فی الجملة بلا خلاف، إلا بعض الشذاذ، فإنه منع منه أصلاً؛ همه حیلها فی الجملة یا اجمالاً [و بدون در نظر گرفتن تک تک مصادیق آن] و بدون هیچ مخالفتی جز از افراد کمی که از هر حیلها منع کرده‌اند، جایزند» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۵، ص ۹۵).

فقه‌های دیگر به تبعیت از شیخ طوسی به جواز حیل حکم کرده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۰)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۴۹)، فخرالمحققین (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۴۶)، کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۳۸)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۲۰۳) و صاحب جواهر (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۳۲، ص ۲۰۱) اشاره نمود.

### ۲-۳. عدم جواز

برخی از فقها حکم بر عدم جواز مطلق حیل نموده‌اند و فقط برخی از حیلها را جایز می‌دانند؛ از آن جمله می‌توان به مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۵۳)، وحید بهبهانی (وحید بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۱)، طباطبایی مجاهد (طباطبایی مجاهد، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۶)، کلاتری طهرانی (کلاتری طهرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۴۴۷) و ظهیری (ظهیری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۵۳) اشاره کرد.

### ۳-۳. راهکارهای مقابله با حیل در فقه امامیه

در فقه امامیه حیل با توجه به تقسیماتش به دودسته مجاز و غیرمجاز یا حرام و جایز تقسیم می‌شود. در مورد حیل‌های مجاز، نه تنها راهکاری برای مقابله با آنها وجود ندارد که برای نحوه انجام آنها نیز راهکار ارائه شده است و این مسائل در قالب فقه الحیل (حیل‌های فقهی) ظهور پیدا کرده است (مرادی، ۱۳۷۶، ج ۲۰۰، ص ۹). در این باره، صاحب حدائق بیان می‌دارد: توسل به حیل‌های مباح جایز و غیر آن جایز نیست و اگر به حیل غیرمجاز متوسل شود، هرچند گناهکار است، ولی اثر خود را دارد (شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۳)، اما در مورد

مقابله با حيله‌های حرام، می‌توان به برخی از راهکارهای ارائه شده توسط فقها اشاره نمود: برخی از فقها اجتناب از همه حيله‌ها را به‌وسیله تقوا که یک معیار اخلاقی و ذاتی است، لازم دانسته‌اند و اجتناب از آن را به‌نوعی با فعل اخلاقی گره زده‌اند (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۱۴۷). برخی دیگر از فقها با استناد به بعضی از روایات؛ مانند روایت: لعن الله اليهود حرمت عليهم الشحوم فباعوها و اكلوا اثمانها؛ خداوند یهود را لعنت کند؛ پیه بر آنان حرام شد، اما آن را فروختند و بهایش را خوردند (نوری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۲۷)، حکم فقهی به حرمت استعمال حيله نموده و عمل به آنها را حرام شرعی دانسته و به‌عنوان یک فعل فقهی حکم به حرمت داده‌اند. (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۷؛ خونی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۹۶)

#### ۴. حکم حيله و راه‌های مقابله با آن در حقوق ایران و فرانسه

در این قسمت باید جواز یا عدم جواز و حکم قانونی مربوط با حيله و راهکارهای مقابله با آن را در حقوق ایران و فرانسه موردبررسی قرار داد.

##### ۴-۱. حکم حيله و راه‌های مقابله با آن در حقوق ایران

با توجه به ارتباط تنگاتنگ حقوق و فقه می‌توان در این زمینه هم از نظریه‌های حقوقی و هم از قواعد فقهی بهره جست. ازجمله نظریه‌های حقوقی و قواعد فقهی که در بحث حکم حيله می‌توان به آن در حقوق ایران استناد کرد نظریات ذیل است:

۱. نظریه انگیزه یا جهت؛ ۲. نظریه حسن نیت؛ ۳. نظریه منع سوءاستفاده از حق؛
۴. نظریه نظم عمومی؛ ۵. قاعده تبعیت عقد از قصد؛ ۶. قاعده سد ذرایع؛ ۷. قاعده «يعامل المكلف بنقيض مقصوده».

##### ۴-۱-۱. نظریه انگیزه یا جهت

مهم‌ترین عامل برای انجام معاملات «انگیزه» است؛ معیاری که باعث می‌شود طرفین برای انجام معامله‌ای گرد هم بیایند و عقد معامله را جاری کنند؛ به‌عنوان نمونه، کسی که برای خرید خانه‌ای، قصد فروش زمینش را دارد، پس خرید خانه، انگیزه این فروش است.

یا در مثالی دیگر، کسی که خودرو خود را می‌خواهد بفروشد، انگیزه‌اش از فروش خودرو خرید خانه است؛ لذا خرید خانه، انگیزه این معامله است (شهیدی، ۱۳۸۵، ص ۵۷). از طرفی می‌توان انگیزه را به‌عنوان جهت نیز در نظر گرفت، اما جهت از انگیزه اعم است؛ لذا جهت یعنی تعهد به انجام عملی که شخص معامله‌کننده به‌وسیله آن خود را ملزم می‌داند تا در قبال عوض متقابل آن عمل را انجام دهد. حال ممکن است آن عمل پرداخت ثمن یا تحویل مبیع باشد؛ به‌عنوان نمونه در بیع، جهت تعهد فروشنده، دریافت ثمن معامله و جهت تعهد خریدار، دریافت مبیع است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۳۰). در حقوق ایران، یکی از نظریاتی که حکم حیل را مشخص می‌کند، همین نظریه است؛ به‌عنوان مثال، یکی از شرایط صحت معاملات این است که جهت معامله مشروع باشد. ماده ۲۱۷ ق.م. اشعار می‌دارد: «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد مشروع باشد و الا معامله باطل است». برای اثر این قانون بر جهت نامشروع و بطلان عقد، شرایطی نیاز است که در صورت فقدان یکی از این شرایط، عقد باطل نمی‌گردد. این شرایط عبارت‌اند از:

الف) وقوع انگیزه نامشروع در یکی از طرفین؛

ب) بی‌واسطه بودن انگیزه نامشروع؛

ج) نمود بیشتر جهت نامشروع در جمیع جهات؛

د) تصریح به جهت نامشروع.

آنچنان که از این شرایط برمی‌آید، انگیزه‌ها و جهات پنهانی مورد بازرسی قرار نمی‌گیرد، بلکه جهتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که به آن تصریح شده باشد. البته برخی از حقوقدانان در مفهوم ماده ۲۱۷ ق.م. منظور از تصریح را به دو احتمال تقسیم کرده‌اند:

۱. از ظاهر کلمه تصریح در این ماده برمی‌آید که تصریح در مقابل عدم تصریح به کار می‌رود؛ لذا هرگاه جهت معامله به‌طور ضمنی نامشروع باشد و در معامله به آن تصریح نشده باشد، معامله باطل نیست.

۲. احتمال دوم که با منطبق حقوقی سازگارتر است مقصود از تصریح عدم تردید و ابهام در مورد نامشروع بودن جهت معامله است به‌گونه‌ای که به‌طور قطع جهت معامله نامشروع باشد.

هرچند طرفین معامله جهت را در قرارداد با الفاظ ذکر نکرده باشند (قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). بنابر نظریه انگیزه می‌توان چنین بیان داشت که در صورتی که جهت معامله یا انگیزه‌ی از آنها به گونه‌ای باشد که قانون نسبت به آن ساکت است و طرفین معامله یا یکی از آنها به دنبال سوء استفاده از سکوت قانون باشند در این صورت باید با استناد به نظریه انگیزه یا جهت چاره‌جویی قانونی یا توسط قانون‌گذاران یا توسط قضات صورت پذیرد تا از اقدام به حيله در این موارد و تضییع حقوق دیگران جلوگیری کرد. البته کاملاً مشخص است که با توجه به نظریه انگیزه یا جهت حکم حيله در حقوق ایران منع از اقدام به حيله حتی در جهت یا انگیزه است.

#### ۴-۱-۲. نظریه حسن نیت

حسن نیت یک معیار کیفی است که از نظر حقوقی تعریف مشخصی ندارد، اما از مواردی است که به وفور حيله در آن اتفاق می‌افتد؛ لذا بررسی آن حائز اهمیت است. حسن نیت اعم از عدم سوء نیت، نبود قصد حيله و تقلب، عدم ظاهرسازی و وانمود کردن، داشتن صداقت و اعتقاد درست در معاملات است.

برخی در تعریف حسن نیت بیان داشته‌اند: «حسن نیت، وضع فکری کسی است که از روی اشتباه اقدام به عمل حقوقی می‌کند و تصور می‌کند که عمل او بر وفق قانون است. حال آنکه موافق قانون نیست و مقنن در مقابل عواقب زیان‌بار آن عمل حقوقی در حد معینی ارا حمایت می‌کند؛ مانند صاحب یدی که فکر می‌کند با مالک واقعی معامله کرده و مال را از او گرفته حال آنکه با غاصب معامله کرده است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵، ص ۲۲).

حسن نیت در سه مرحله از یک قرارداد قابل بررسی است: ۱. حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد؛ ۲. حسن نیت در مرحله اجرای قرارداد؛ ۳. حسن نیت در مرحله تفسیر قرارداد.

درباره حسن نیت در مرحله انعقاد قرارداد می‌توان به مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه اشاره کرد که اشعار می‌دارد؛ چنان‌چه بیمه‌گذار اقدامی خلاف حسن نیت انجام داده باشد ضمانت اجرای لازم پیش‌بینی شده است (قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۹۹). درباره حسن نیت در زمان

انعقاد قرارداد می‌توان به قوانین متعددی چون ماده ۴۹۰ ق.ت اشاره نمود. درباره حسن نیت در مرحله اجرای قرارداد، می‌توان به مواد ۲۲۰، ۳۸۷، ۳۸۰ و ۴۰۲ ق.م اشاره کرد. درباره حسن نیت در مرحله تفسیر قرارداد می‌توان به ماده ۳ قانون تجارت الکترونیک اشاره داشت.

همان‌طور که دانسته شد، حيله يکي از مواردی است که می‌تواند در مراحل مختلفی از یک قرارداد مورداستفاده یکی از طرفین معامله باشد. در یک معامله باید سه عنصر قانونی، مادی و معنوی با یکدیگر همراه باشند تا قرارداد منعقد گردد، عنصر معنوی در این بین اهمیت بسزایی دارد. کسی که قصدش معامله سالم نیست و هدفش کسب مال به هر طریقی است، در معاملات، حسن نیت نداشته و به دنبال استفاده از حيله‌هایی است که از نظر قانون مخفی مانده است. بنا بر نظریه حسن نیت حکم حيله ممنوعیت است؛ زیرا هر معامله‌ای که در آن قصد سوء وجود داشته باشد و حسن نیت از طرفین وجود نداشته باشد، معامله‌ی با رنگ و بو و قصد انتفاع از حيله محسوب و ممنوع است (دیلمی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴).

#### ۳-۱-۴. نظریه منع سوءاستفاده از حق

سوءاستفاده از حق، عبارت است از به کار بردن حق به نحو مادی یا حقوقی به ضرر غیر که ظاهراً به‌عنوان استفاده از حق مشروع به کار می‌رود، ولی صاحب آن، حق خود را به قصد اضرار به غیر به کار می‌برد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۳۶۸). قوانین متعددی بر منع سوءاستفاده از حق اذعان دارند؛ از جمله می‌توان به اصل ۴۰ ق.ا، ماده ۱۳۲ ق.م و... اشاره نمود. سوءاستفاده از حق را می‌توان با معیارهای مختلفی مشخص نمود، اما به‌طور معمول سه نظر وجود دارد که معیار سوءاستفاده از حق را مشخص می‌نماید: الف - نظریه اضرار عمدی؛ ب - نظریه تجاوز از مبانی اجتماعی حق؛ ج - تقصیر در اجرای حق. طبق نظر اول، سوءاستفاده زمانی شکل می‌گیرد که صاحب حق در مطالبه حق خود قصد اضرار داشته باشد که این قصد از اماره‌های خارجی فهمیده می‌شود، بر اساس نظر دوم، اجرای حق تا جایی مجاز است که با مبانی اجتماعی در تضاد نباشد، بر اساس نظر سوم باید اقدام صاحب حق با رفتار یک انسان عادی در همان حال سنجیده شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۲۸).

بنا بر نظریه منع سوءاستفاده از حق می‌توان اذعان داشت گاهی شخص صاحب حق با

سوءاستفاده از حقی که قانون برای وی به منظور احقاق حقش قائل شده و با حيله و تقلب به دنبال ايجاد ضرر و زيان برای ديگران است، در اين صورت نظريه منع سوءاستفاده از حق حيله را ممنوع می‌داند و حکم آن را مشخص می‌کند.

#### ۴-۱-۴. نظريه نظم عمومي

برخی نظم عمومي را معادل قوانين و مقررات آمره می‌دانند (نصيري، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸). در متون فقهی که مبنای قوانين حقوقی هستند، در مورد نظم عمومي نیز مطالب قابل توجهی آمده است؛ به عنوان نمونه، موسوی اردبیلی می‌نویسد: «نظام اجتماع، بسته به قضاوت است و اگر قضاوت نباشد، هيچ نظمی در اجتماع وجود نخواهد داشت و از عدالت و احقاق حق اثری نخواهد بود» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۳۱). برخی در مورد نظم عمومي گفته‌اند نظم عمومي، مفهومی نسبی است که با ملاحظه همه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه تعیین می‌شود (سنهوري، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۱). نظم عمومي از جمله نظریه‌هایی است که در صورتی که احدی از طرفین دعوا از حيله استفاده نماید، سبب بر هم زدن این نظم عمومي خواهد شد. نظریه نظم عمومي بیان می‌دارد: برای برقراری این نظم، هرکسی باید بتواند حق خود را از مجرای قانونی تحصیل نماید، نه اینکه خود رأساً اقدام کند؛ لذا در صورتی که قانون در موضوعی اجمال یا ابهام داشته باشد و سوءاستفاده کنندگان بتوانند با حيله حقی را ضایع کنند افرادی که حقوق ایشان ضایع شده از قانون ناامید می‌شوند و به دنبال انتقام‌جویی یا احقاق حق خود می‌روند و رأساً اقدام می‌کنند، موجب برهم خوردن نظم عمومي جامعه خواهد شد؛ بنابراین، نظریه نظم عمومي حيله را ممنوع می‌داند و اقدام به حيله بر اساس این نظریه باید ممنوع گردد تا نظم عمومي بر هم نخورد.

#### ۴-۱-۵. قاعده تبعیت عقد از قصد

برخی در مورد این قاعده اظهار داشته‌اند؛ قاعده تبعیت عقد از قصد بیان می‌دارد: هر قراردادی دارای آثار خاصی است که از قصد خاص آن قرارداد تبعیت می‌کند (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۹؛ مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۷۰). برخی نیز مفهوم

این قاعده را چنین بیان نموده‌اند که چون معنا ندارد که تابع بدون متبوع محقق شود، عقد نیز بدون قصد محقق نمی‌شود؛ لذا عقد بدون قصد محکوم به بطلان است؛ بنابراین، عقد شخص غافل، نائم، ناسی، غالط، هازل و مست باطل است (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۵۵۴؛ نجفی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۲۶۵).

در بسیاری از معاملات، قصد جدی بر انجام معامله وجود ندارد و فقط برای فرار از قوانین حقوقی یا شرعی و آثار آن چنین قراردادهایی منعقد می‌شود؛ همانند قراردادهایی که برای فرار از ربا منعقد می‌گردد، چون اصل تبعیت عقد از قصد است. از این رو با باطل بودن قصد، عقد نیز محقق نمی‌شود؛ زیرا عقود برای چیزی منعقد می‌شوند که از آن قصد شده‌اند؛ بنابراین حیل و تقلب اگر با استفاده از قوانین در عقود محقق شوند با توجه به اینکه بسیاری از حیل برای مقاصد غیرقانونی و غیر مشروع واقع می‌شوند سبب عدم انعقاد عقد حقیقی می‌گردند و این خود مشخص‌کننده حکم حیل است که نمایانگر این مطلب است که حیل چون با قصد صورت می‌پذیرد و اغلب به قصد باطل است؛ لذا ممنوع است.

#### ۴-۱-۶. قاعده سد ذرایع

سد ذرایع به معنای جلوگیری کردن از هر کاری است که به حسب عادت منجر به مفسده‌ای می‌گردد (مکارم شیرازی، بی تا الف، ج ۲، ص ۵۴۱). «ذرایع» جمع ذریعه است که در لغت به معنای وسیله است، سد ذرایع به معنای پیشگیری از مقدمات کار حرام است و فتح ذرایع به معنای فراهم کردن مقدمات کار واجب است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۴۳). حرمت حیل از آثار قاعده سد ذرایع است اما شامل حیلهایی می‌شود که منتهی به مفسده می‌شوند (سبحانی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۷۸). بر اساس این قاعده، حیل از موارد ممنوع است؛ چون در غالب موارد حیل منجر به مفسده می‌گردد.

#### ۴-۱-۷. قاعده «یعامل المکلف بنقیض مقصوده»

برخی در تعریف این قاعده بیان داشته‌اند: در هر موردی شخصی عملی را با قصد سوءاستفاده از قوانین یا شرع انجام دهد، حیل‌اش تأثیری ندارد، بلکه نقیض مقصود آن

شخص بر وی بار می‌شود (مظاهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۸؛ کاشانی، ۱۳۵۴: ص ۱۲؛ ابن‌قیم، ۱۹۷۳م، ج ۳، ص ۳۱۲). از جمله قوانینی که می‌توان از این قاعده استفاده کرد، می‌توان به ماده ۹۴۵ ق.م. درباره طلاق دادن زوجه توسط زوجی که مرض موت دارد، اگرچه طلاق دهد، اما زوجه از زوج ارث می‌برد. ماده دیگر می‌توان به ماده ۸۸۰ ق.م که در مورد شخصی است که مورث خود را عمداً بکشد، قاتل از ارث محروم می‌شود. ماده دیگر می‌توان به ماده ۸۸۳ ق.م که در مورد لعان است، اشاره نمود. بر اساس این قاعده، حيله ممنوع است و در صورت وقوع مجازات در پی دارد.

#### ۲-۴. حکم حيله و راه‌های مقابله با آن در حقوق فرانسه

در مورد حکم حيله و تقلب در حقوق فرانسه در قوانین متعددی از قانون مدنی این کشور، حيله و تقلب ممنوع اعلام شده است؛ از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۹۸، به صراحت به حسن نیت و صداقت که همان عدم به کار بردن حيله است تصریح نموده است: طرفین دعوی تحت هر شرایطی ملزم به حفظ حرمت شایسته دادگاه هستند. دادرسی می‌تواند بر حسب شدت بی‌احترامی حتی رأساً رأی یا دستور صریح صادر کند نوشته‌ها (اسناد) را حذف کند یا آنها را افترا (توهین‌آمیز) اعلام کند و دستور تحریر و اعلان آرای خود را صادر کند. این‌طور استنباط می‌شود که قلمرو این ماده قانونی هم برای اصحاب دعوی و هم برای قاضی دادگاه است.

در بند اول ماده ۵۹۵ قانون آیین دادرسی فرانسه، همانند بند پنجم ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی کشور ما یکی از جهات اعاده دادرسی را به کار بردن حيله و تقلب دانسته و اشعار داشته: «اگر پس از رأی معلوم شود تصمیم متخذه، متأثر از حيله و تقلب طرف دعوی که رأی به نفع او صادر شده بوده است» که باز در اینجا هم به صورت عام بیان شده است و همین‌طور در بند سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه بدون آنکه به تعریف حسن نیت بپردازد، طرفین قرارداد را مکلف به اجرای حسن نیت در قرارداد می‌داند و این‌طور به نظر می‌رسد که تمام قراردادهای انعقادی می‌بایست بر پایه حسن نیت انجام شود. چنان‌که سالی، حقوقدان معروف فرانسوی در ابتدای قرن بیستم پیشنهاد نمود تا مفهوم



حسن نیت و رفتار منصفانه در قراردادهای به کار رود و مسئولیت ناشی از عدم رعایت آن نیز پذیرفته شود.

در حقوق فرانسه، عدم ارائه اطلاعات در دوره پیش قراردادی تحت عناوین مختلفی چون اشتباه، تدلیس یا عیوب مخفی موضوع معامله را سبب خدشه بر قرارداد می‌داند، به طوری که در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آن کشور بیان شده عدم اطلاع رسانی می‌تواند اشتباه طرف دیگر را در پی داشته و موجبات بطلان قرارداد را فراهم آورد و به صراحت در ماده ۱۱۱۶ همان قانون اشعار داشته تدلیس از اسباب بطلان قرارداد است.

قانون شماره ۸۹۸-۲۰۱۸ مصوب ۲۳ اکتبر ۲۰۱۸ در مورد مبارزه با حيله، تقلب و کلاهبرداری که در این قانون سه عنوان کلی با مواد جزئی در مورد مبارزه با حيله و کلاهبرداری مالی در امور مالیاتی، اجتماعی و گمرکی و اختصاص منابع مالی برای این مبارزه، تقویت مجازات‌های مختص به این نوع از جرائم و اصلاح مجازات‌های مربوط به این جرائم دیده شده است.<sup>۱</sup>

مصوبه ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹ که حاوی اصلاح فرمان ۱۴ فوریه ۲۰۱۴ به منظور ایجاد یک سازمان اداری پردازش خودکار و سامانمند جهت مقابله با ترفندهای کلاهبرداری و حيله‌هایی که منجر به کلاهبرداری در امور مالیاتی می‌شوند.<sup>۲</sup>

کتاب دوم، بخش چهارم: مقررات کیفری و انتظامی، فصل اول، بخش اول احکام کیفری، بند ۱ قانون حيله و تقلب ماده ۱۱۷ (L117) هرگونه حيله و تقلب که سبب حذف فردی از سرشماری شود، فرد مقصر به یک سال حبس تعزیری مجازات می‌شود.<sup>۳</sup>

1. [https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000037518803?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab\\_selection=all](https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000037518803?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab_selection=all)

2. [https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000039433326?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab\\_selection=all](https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000039433326?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab_selection=all)

3. [https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section\\_lc/LEGITEXT000006071335/LEGISCTA000006182711?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab\\_selection=all&typePaging=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006556008#LEGIARTI000006556008](https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006071335/LEGISCTA000006182711?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab_selection=all&typePaging=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006556008#LEGIARTI000006556008)

ماده ۲۶۸ ق.م.ف اظهار می‌دارد؛ کارآفرینان، اعضای تجاری، بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان، وام‌دهندگان، صاحبان کالا و به‌طور کلی کسانی که تمایل و اقدام به کلاهبرداری، حيله و تقلب دارند و کسانی که به هر طریقی در یک جرم قاچاق یا جرم واردات یا صادرات بدون اظهارنامه مشارکت داشته باشند، مجازات همان مرتکبان جرم را دارند و افزون بر این مجازات ماده ۲۹۴ شامل آنها خواهد شد.<sup>۱</sup> هرگونه تقلب یا حيله به قصد تقلب در آزمون‌های کتبی قضایی، منجر به حذف فوری از آزمون می‌شود و داوطلب خاطی نمی‌تواند در آزمون سال‌های بعد نیز شرکت کند.<sup>۲</sup>

با توجه به موارد فوق‌الذکر می‌توان بیان داشت قوانین کشور فرانسه ممنوعیت توسل به حيله و تقلب را در مواد خود اظهار داشته است.

در مورد راهکارهای مقابله با حيله در حقوق فرانسه باید گفت کشور فرانسه و سیستم حقوقی فرانسه برای مقابله با حيله به موارد مختلفی متوسل شده است از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

#### ۴-۲-۱. اجرای قوانین اتحادیه اروپا؛

یکی از راهکارهای مقابله با حيله در فرانسه از نظر قانونی، اجرای قوانین اتحادیه اروپا است که کشورهای اتحادیه اروپا ملزم به رعایت آن هستند؛ به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۱ کمیسیون اتحادیه اروپا یک برنامه‌ی عملی سه ساله‌ای را پیش‌بینی نمود تا به‌وسیله آن، میزان تقلب و حيله را در قوانین مرتبط با کارت‌های بانکی و تراکنش‌های مالی را کاهش دهد. کشور فرانسه نیز تا مدتی دنباله‌رو این قانون بود (Fontanaud, 2006: p.237).

1. [https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section\\_lc/LEGITEXT000006071645/LEGISCTA000006169158?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab\\_selection=all&typePagination=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006619987#LEGIARTI000006619987](https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006071645/LEGISCTA000006169158?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab_selection=all&typePagination=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006619987#LEGIARTI000006619987)
2. [https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section\\_lc/LEGITEXT000006071154/LEGISCTA000022848875?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab\\_selection=all&typePagination=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000022850907#LEGIARTI000022850907](https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006071154/LEGISCTA000022848875?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab_selection=all&typePagination=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000022850907#LEGIARTI000022850907)

۲-۴. ایجاد نهادهای مختلفی برای مبارزه با حيله و تقلب؛

در حقوق فرانسه، نهادهای مختلفی برای مبارزه با حيله و تقلب ایجاد شده‌اند؛ همچون آژانس مبارزه با حيله‌های بیمه که هدف این آژانس مبارزه با حيله در مسائل بیمه است.<sup>۱</sup> برخی می‌گویند در قانون فرانسه حيله‌ها اهرمی برای پاک‌سازی روابط حقوقی هستند.<sup>۲</sup>

۳-۲-۴. شناسایی نقاط پوشیده از چشم قانون توسط فناوری‌های دیجیتال؛

یکی از روش‌های پیشنهادی برای مقابله با حيله و تقلب در قانون فرانسه، استفاده از فناوری‌های دیجیتال است تا به وسیله آنها اطلاعات مختلفی را جمع‌آوری کرده تا توسط آن تجزیه و تحلیل صورت بگیرد و قوانین بر اساس آن منظم و تدوین شوند، برای این منظور باید از پایگاه‌های داده‌ای پلیس، دادگستری، نهادهای اجتماعی، نهادهای امنیتی و... استفاده نمود و ضعف‌های قانونی را شناسایی کرد؛ به‌عنوان مثال، برای شناسایی ضعف‌های قانونی در زمینه مالیاتی، اداره مالیات فرانسه می‌تواند قانوناً از هر فرد و نهادی که در کشور فرانسه زندگی می‌کند یا وجود دارد، اطلاعات مربوطه را درخواست دهد به شرطی که دریافت این اطلاعات در شمار ممنوعیت‌های قانونی همچون مسائل رازداری پزشکی و... نباشد (Sivieude, 2018:p.35).

به نظر می‌رسد استفاده از چنین روشی بتواند مواردی که از چشم قانون مخفی مانده و افراد به وسیله حيله‌ها و تقلب‌های مختلف از آن سوءاستفاده می‌کنند، شناسایی و کار تقنین دقیق‌تر گردد.

۴-۲-۴. تعیین قوانین موردی و موضوعی؛

یکی از راهکارهای مقابله با حيله تعیین قوانین موردی و موضوعی است که در قوانین فرانسه به چشم می‌خورد، به‌عنوان نمونه در نهم دسامبر ۲۰۱۶ قانونی مبنی بر مبارزه با حيله، تقلب و

1. [https://fr.wikipedia.org/wiki/Agence\\_pour\\_la\\_lutte\\_contre\\_la\\_fraude\\_%C3%A0\\_l%27\\_assurance#cite\\_ref-1](https://fr.wikipedia.org/wiki/Agence_pour_la_lutte_contre_la_fraude_%C3%A0_l%27_assurance#cite_ref-1)  
2. <https://aurelienbamde.com/2018/11/08/la-fraude-regime-juridique/>

فساد در اقتصاد در فرانسه به تصویب رسید. این قانون معروف به قانون ساپین دو<sup>۱</sup> است. در این قانون موارد حيله، تقلب و فساد به صورت سیستمی مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

#### ۴-۲-۵. تعیین مجازات در قوانین کیفری؛

یکی دیگر از راه‌های مبارزه با حيله تعیین مجازات در قوانین کیفری است. در فرانسه حيله و تقلب، جرم محسوب شده و برای آن بسته به موضوعی که دارد جرم‌انگاری و مجازات تعیین شده است، این تعیین مجازات از باب قانون مجازات<sup>۳</sup> است که بیان می‌دارد: تلاش برای ارتکاب جرم مجازات دارد (Perben, 2004:p.8).

### نتیجه‌گیری

حيله در اصطلاح فقهی، یعنی رسیدن به یک مطلوب شرعی و هدف مشروع؛ چه این که راه رسیدن به آن، امر حلالی باشد یا راه مذکور خود غیر مشروع باشد و در اصطلاح حقوق ایران به معنای استعداد استفاده از سکوت یا اجمال قانون به منظور اکتساب حق برای غیر محق از راه‌هایی که مخالف با ماهیت قانون است و در اصطلاح حقوق فرانسه به معنای عملی زیرکانه است که با استفاده از عیوب مخفی و پنهانی قانون، فرد به دنبال انجام عملی به ظاهر قانونی است. این تعاریف مختلف، سبب تفاوت در مصادیق حيله و به تبع آن، راهکارهای مقابله با آن شده است. راهکارهای مقابله با آن شده است. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مصادیق حيله در فقه امامیه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. مصادیق حيله واقعی مثبت و مشروع؛

۲. مصادیق حيله واقعی منفی و مذموم؛

۳. مصادیق حيله صوری.

1. Sapin II.

2. <https://www.edf.fr/en/the-edf-group/our-commitments/ethics-compliance/ethics-compliance-policy/preventing-the-risk-of-corruption>

3. Code pénal - Article 121-4.

مصادیق حيله در حقوق ايران را مي توان به دو بخش تقسيم کرد:

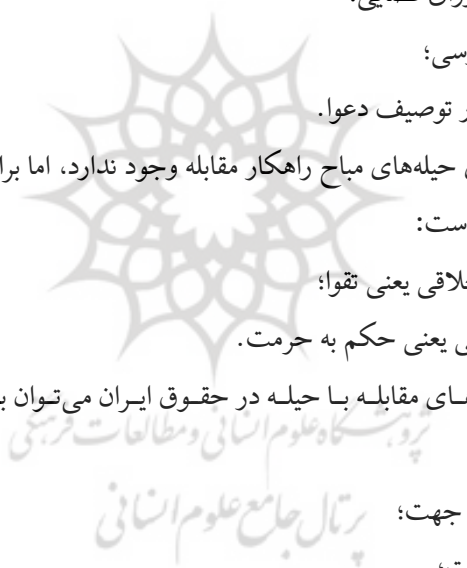
۱. مصادیق حيله ناقض قوانين شکلي؛
  ۲. مصادیق حيله ناقض قوانين ماهوی.
- از مصادیق حيله در آيين دادرسی مدنی ايران مي توان به مصادیق حيله ايجابی در آيين دادرسی مدنی شامل موارد ذیل اشاره کرد:
۱. ادعای واهی که خود شامل دروغ گویی و بزرگ نمایی است؛
  ۲. اطاله ی دادرسی؛
  ۳. سرقت و برداشت اطلاعات پرونده، ؛
  ۴. تفکيک دعوا؛
  ۵. استفاده از عنصر اغفال در دادرسی؛
  ۶. استناد به ادله نامشروع؛
  ۷. فرار مالیاتی؛
  ۸. ضم ضميمه اضافی در پرونده از جهات مختلف در مراحل دادرسی.
- از مصادیق حيله ی سلبی در آيين دادرسی مدنی مي توان به موارد ذیل اشاره نمود:
۱. عدم تعيين دقيق خواسته؛
  ۲. عدم مشارکت در دعوا؛
  ۳. ادعای بیماری و جنون؛
  ۴. مخفی کردن ادله؛
  ۵. عدم حضور یا سکوت در جلسه رسیدگی باهدف خاص؛
  ۶. عدم پذیرش اوراق قضایی؛
  ۷. اهمال در دادرسی؛
  ۸. دست کاری در توصيف دعوا.
- از مصادیق حيله ناقض قوانين ماهوی به دليل کثرت و ادغام مصادیق در موارد، مي توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ماده ۶۷۰ قانون مجازات اسلامی قدیم؛

۲. ماده ۳ فصل اول قانون تعزیرات حکومتی؛
۳. ماده ۵۵۲ قانون تجارت، بند الف و ب؛
۴. ماده ۶ قانون جرائم رایانه‌ای؛
۵. ماده ۴۱ قانون گذرنامه، قسمت واو؛
۶. ماده یک قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور؛
۷. ماده ۱۲۴۸ قانون مدنی، بند پنجم؛
۸. ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک کشور؛
۹. مواد ۱۰۸، ۱۱۲ و ۱۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و... از تقلب بحث کرده‌اند

۱۰. ماده ۴۹۰ قانون تجارت؛
  ۱۱. ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی؛
  ۱۲. ماده ۴۲۶ و ۴۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛
  ۱۳. ماده ۳۴ و ۳۸ قانون وکالت؛
  ۱۴. ماده ۱۱۶۳ قانون مدنی، ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی.
- مصادیق حيله در حقوق فرانسه را می‌توان در دو بخش تقسیم کرد:  
مصادیق حيله ناقض قوانین شکلی که خود دودسته می‌شود:
- الف - مصادیق حيله ایجابی و مصادیق حيله ی سلبی؛
- ب - مصادیق حيله ناقض قوانین ماهوی؛
- از مصادیق حيله ایجابی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
۱. ادعای واهی که خود شامل دروغ‌گویی و بزرگ‌نمایی است؛
  ۲. اطاله‌ی دادرسی؛
  ۳. سرقت و برداشت اطلاعات پرونده؛
  ۴. تفکیک دعوا؛
  ۵. استفاده از عنصر اغفال در دادرسی؛
  ۶. استناد به ادله نامشروع؛

۷. فرار مالیاتی؛
  ۸. ضم ضمیمه اضافی در پرونده از جهات مختلف در مراحل دادرسی.
- از مصادیق حیل‌های سلبی در دادرسی مدنی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
۱. عدم تعیین دقیق خواسته؛
  ۲. عدم مشارکت در دعوا؛
  ۳. ادعای بیماری و جنون؛
  ۴. مخفی کردن ادله؛
  ۵. عدم حضور یا سکوت در جلسه رسیدگی باهدف خاص؛
  ۶. عدم پذیرش اوراق قضایی؛
  ۷. اهمال در دادرسی؛
  ۸. دست‌کاری در توصیف دعوا.
- در فقه امامیه برای حیل‌های مباح راهکار مقابله وجود ندارد، اما برای حیل‌های حرام دو راهکار پیشنهاد شده است:
- الف - راهکار اخلاقی یعنی تقوا؛
  - ب - راهکار فقهی یعنی حکم به حرمت.
- در مورد راهکارهای مقابله با حیل‌ها در حقوق ایران می‌توان به نظریات مختلفی اشاره نمود:
۱. نظریه انگیزه یا جهت؛
  ۲. نظریه حسن نیت؛
  ۳. نظریه منع سوءاستفاده از حق؛
  ۴. نظریه نظم عمومی؛
  ۵. قاعده تبعیت عقد از قصد؛
  ۶. قاعده سد ذرایع؛
  ۷. قاعده «يعامل المکلف بنقیض مقصوده».



در مورد راهکارهای مقابله با حيله در حقوق فرانسه می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. اجرای قوانین اتحادیه اروپا؛
۲. ایجاد نهادهای مختلفی برای مبارزه با حيله و تقلب؛
۳. شناسایی نقاط پوشیده از چشم قانون توسط فناوری های دیجیتال؛
۴. تعیین قوانین موردی و موضوعی؛
۵. تعیین مجازات در قوانین کیفری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۸۳  
مبانی حقوق



## فهرست منابع

۱. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). **جمهرة اللغة**. بیروت: دارالعلم للملایین.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (بی تا). **المخصص**. بیروت: دارالکتب العلمية.
۳. ابن قیم، ابن عبدالله. (۱۹۷۳م). **اعلام الموقعین**. بیروت: دارالجلیل.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.
۵. ابوجیب، سعدی. (۱۴۰۸ق). **القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً**. دمشق: دارالفکر.
۶. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). **تهذیب اللغة**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷. اسماعیل صینی، محمود. (۱۴۱۴ق). **المکنز العربی المعاصر**. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۸. بحیری، عبدالوہاب. (۱۳۷۶). **حیله های شرعی ناسازگار با فقہ**. (ترجمه حسین صابری). بی جا.
۹. بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). **فرہنگ ابجدی**. تهران: اسلامی.
۱۰. بہوتی، منصور بن یونس. (۱۴۰۲ق). **کشاف القناع**. بیروت: دارالفکر.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۷). **ترمینولوژی حقوق**. تهران: گنج دانش.
۱۲. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود ہاشمی. (۱۴۲۶ق). **فرہنگ فقہ مطابق مذهب اہل بیت** علیہ السلام. قم: مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام.
۱۳. جمعی از مؤلفان. (بی تا). **مجله فقہ اہل بیت** علیہم السلام (فارسی). قم: مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام.
۱۴. حکیم، سید محسن. (۱۴۱۶ق). **مستمک العروة الوثقی**. (چاپ اول). قم: مؤسسہ دارالتفسیر.
۱۵. حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). **شرايع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**. قم: مؤسسہ اسماعیلیان.

۱۶. حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). **شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم**. دمشق: دارالفکر.
۱۷. خمینی، روح‌الله. (۱۴۱۵ق). **المکاسب المحرمة**. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). **التنقیح فی شرح العروه الوثقی**. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی (قدس سره).
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). **لغت‌نامه دهخدا**. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، حسین. (۱۳۹۷). **حیله در دادرسی مدنی**. تهران: فکرسازان.
۲۱. دیلمی، احمد. (۱۳۸۹). **حسن نیت در مسئولیت مدنی**. تهران: نشر میزان.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۶). **مقدمة الأدب**. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
۲۳. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۹ق). **مصادر الفقه الاسلامی و منابعه**. بیروت: دارالاضواء.
۲۴. سنهوری، عبدالرزاق. (بی‌تا). **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۵. شهید ثانی، زین‌الدین علی. (۱۴۲۳ق). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام**. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). **مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام**. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۷. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۵). **حقوق مدنی**. تهران: انتشارات مجد.
۲۸. طاهری، حبیب‌الله. (۱۴۱۸ق). **حقوق مدنی** (طاهری). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. طباطبایی مجاهد، سید محمد. (بی‌تا). **کتاب المناهل**. بی‌جا: بی‌نا.
۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). **مجمع البحرين**. تهران: مرتضوی.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). **المبسوط فی الفقه الامامیه**. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

۳۲. ظهیری، عباس. (۱۳۸۲). **معمد تحریر الوسيلة** (ظهیری). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۳. عاملی، جواد. (۱۴۱۹ق). **مفتاح الكرامة فی شرح قواعد**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). **تذکره الفقهاء**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۵. فخرالمحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). **القاموس المحيط**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۷. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی**. قم: مؤسسه دارالهجرة.
۳۸. قاسمی، رسول. (۱۳۹۱). **حیله و تقلب نسبت به قانون**. تهران: جنگل.
۳۹. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۴۱۲ق). **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶). **قواعد عمومی قراردادها**. تهران: شرکت انتشار.
۴۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). **الزامهای خارج از قرارداد**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. کاشانی، سید محمود. (۱۳۵۲). **نظریه تقلب نسبت به قانون «حیل»**. تهران: بی نا.
۴۴. کاشانی، محمود. (۱۳۵۴). **نظریه تقلب نسبت به قانون**. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۴۵. کاشف الغطاء، حسن. (۱۴۲۲ق). **أنوار الفقاهة (کتاب المکاسب)**. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۴۶. کلاتری طهرانی، ابوالقاسم. (۱۴۲۵ق). **مطرح الأنظار**. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۴۷. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۸. مرادی، مجید. (۱۳۷۶). **فقه و شریعت از دریچه مقاصد**. قم: دو هفته نامه پگاه حوزه.
۴۹. مراغی، میرعبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). **العناوين الفقهية**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۵۰. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دارالفکر.
۵۱. مظاهری، حسین. (بی تا). **مقایسه‌ای بین سیستم‌های اقتصادی**. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۵۲. مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی تا). **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). **القواعد الفقهية**. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا الف). **انوار الأصول**. بی جا.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). **دائرة المعارف فقه مقارن**. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ق). **حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح**. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۵۷. مکارم شیرازی، ناصر. (بی تا). **بررسی طرق فرار از ربا**. قم: بی جا.
۵۸. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (۱۴۲۳ق). **فقه القضاء**. قم: جامعه المفید
۵۹. موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۵). «قاعده اقدام». **فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی**. ش ۲.
۶۰. موسی، حسین یوسف. (۱۴۱۰ق). **الإفصاح فی فقه اللغة**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶۱. مهنا، عبدالله علی. (۱۴۱۳ق). **لسان اللسان: تهذیب لسان العرب**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶۲. نجفی جواهری، محمدحسن. (۱۳۶۲). **جواهر الکلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۳. نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۵ق). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۴. نراقی، احمد. (۱۴۱۷ق). **عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۵. نصیری، محمد. (۱۳۸۴). **حقوق بین الملل خصوصی**. تهران: نشر آگه.
۶۶. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۳۶۶). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۶۷. وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۱۷ق). **حاشیه مجمع الفائدة و البرهان**. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.

68. Fontanaud, Daniel (2006), Lutte contre la fraude et la contrefaçon des moyens de paiement autres que les espèces, Dans Revue internationale de droit pénal 2006/1-2 (Vol. 77).
69. Perben, Loi (2004), les cinq points inquiétants pour les libertés publiques" [Perben Law: the five worrying points for public liberties]. Le Monde Société. January 27, 2004.
70. Sivieude, Olivier (2018), Comment lutter efficacement contre la fraude fiscale aujourd'hui ?, Dans Gestion & Finances Publiques 2018/3 (N° 3).
71. <https://aurelienbamde.com/2018/11/08/la-fraude-regime-juridique/>
72. [https://fr.wikipedia.org/wiki/Agence\\_pour\\_la\\_lutte\\_contre\\_la\\_fraude\\_%C3%A0\\_1%27assurance#cite\\_ref-1](https://fr.wikipedia.org/wiki/Agence_pour_la_lutte_contre_la_fraude_%C3%A0_1%27assurance#cite_ref-1).
73. <https://www.edf.fr/en/the-edf-group/our-commitments/ethics-compliance/ethics-compliance-policy/preventing-the-risk-of-corruption>
74. [https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section\\_lc/LEGITEXT000006071335/LEGISCTA000006182711?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab\\_selection=all&typePaginatio n=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006556008#LEGIARTI000006556008](https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006071335/LEGISCTA000006182711?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab_selection=all&typePaginatio n=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006556008#LEGIARTI000006556008).
75. [https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section\\_lc/LEGITEXT000006071645/LEGISCTA000006169158?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab\\_selection=all&typePaginatio n=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006619987#LEGIARTI000006619987](https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006071645/LEGISCTA000006169158?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab_selection=all&typePaginatio n=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000006619987#LEGIARTI000006619987).
76. [https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section\\_lc/LEGITEXT000006071154/LEGISCTA000022848875?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab\\_selection=all&typePaginatio n=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000022850907#LEGIARTI000022850907](https://www.legifrance.gouv.fr/codes/section_lc/LEGITEXT000006071154/LEGISCTA000022848875?fonds=CODE&page=1&pageSize=10&query=fraudes&searchField=ALL&searchType=ALL&tab_selection=all&typePaginatio n=DEFAULT&anchor=LEGIARTI000022850907#LEGIARTI000022850907).
77. [https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000037518803?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab\\_selection=all](https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000037518803?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab_selection=all).
78. [https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000039433326?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab\\_selection=all](https://www.legifrance.gouv.fr/loda/id/JORFTEXT000039433326?init=true&page=1&query=Fraude&searchField=ALL&tab_selection=all).